شبکه مستند در دوره جدید مدیریتی خود چه کرده است؟

صریح‌تر سیاسی‌تر یا آزادتر؟

سیدمهدی موسوی‌تبار
روزنامه‌نگار

با اسم این شبکه از دهه‌های قبل آشنا بودند و خودش اما از سال ۱۳۸۸ به شکل آزمایشی و از سال ۱۳۸۹ به شکل رسمی کار خود را با تمرکز بر سینمای مستند آغاز کرده و از اواخر سال ۱۳۹۴ هم به‌طور همزمان مجهز به سیستم پخش HD و SD شده است. صحبت از شبکه مستند است که لزوم وجودش از مدت‌ها قبل از تاسیس حس می‌شد. اگر زمانی تمام سهم مخاطبان از مستند به برنامه دینی‌ها یا با راز بقا ختم می‌شد بیش از یک دهه است که این سهم از برنامه‌ها به «شبکه» رسیده است. مستند در جهان و در کشور ما محبوب است. محبوبیت مستند در کشور ما چرخید بیشتر به دلیل مستندهای حیات‌وحش است اما این ذائقه در سال‌های اخیر تغییر کرده است و مستندهای سیاسی، ورزشی و اجتماعی هم بسیار دیده می‌شوند. طبق آخرین نظرسنجی صداوسیما که روز گذشته منتشر شد شبکه مستند سیما با ۲۸/۵ درصد به رتبه ششم جدول پرمخاطبان صداوسیما دست یافته و بعد از چند شبکه اصلی تلویزیون قرار دارد. رتبه‌ای که اهمیتش وقتی مشخص می‌شود می‌بینیم شبکه‌های پرطرفداری مانند نسیم یا ورزش بعد از آن قرار دارند. گفته می‌شود درحال حاضر تعداد ۶۹ نفر، شامل ۳۱ نیروی رسمی و ۳۸ نیروی غیررسمی در این شبکه مشغول فعالیت هستند. شبکه مستند سال گذشته و در همین روزها شاهد یک تغییر مدیریتی بود و محسن یزدی که قائم‌مقام شبکه سیما بود به‌جای سلیم غفوری آمد که به شبکه افق رفته بود. «فرهیختگان» سال گذشته و پس از این جابه‌جایی سراغ مستندسازان رفت و از مطالبات آنها از مدیر جدید شبکه مستند پرسید و آنها هم صراحت، احترام و نزدیکی به مردم و مسائل‌شان را از اولویت‌ها دانسته بودند. نکته جالب‌تر اما محتویات حکم مرتضی میرباقری خطاب به محسن یزدی بود. در این حکم، مواردی مانند بهره‌گیری از الگوی کارآمد و الزبخش مدیریت پیام و استفاده از نظرات کارشناسان متعهد و خبره در ارتقای کیفی و هنری تولیدات مستند در جهت افزایش سرمایه اجتماعی کشور، تعمیق گفتمان انقلاب اسلامی و مقابله موثر با جنگ نرم دشمن و آزمایش رسانه‌ای نظام مسلطه آمده است که هرکدام البته مهم و استراتژیک هستند. همچنین در حکم معاون سیما بر تولید مستندهای فاخر با موضوع تاریخ بزرگ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و حرکت‌های حماسی مردم در برهه‌های مختلف انقلاب و استفاده از ظرفیت همه مستندسازان دلسوز که دغدغه اعتلای ایران اسلامی و مقابله با نفوذ فرهنگی دشمن را دارند، تاکید شده بود. معرفی مزیت‌های اقلیمی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و توجه به سبک زندگی اسلامی-ایرانی از دیگر انتظارات از مدیر جدید شبکه مستند سیما عنوان شده بودند. گذشت یک سال شاید زمان مناسبی باشد برای بررسی عملکرد شبکه مستند و تحلیل میزان تحقق این شعارها و اولویت‌های سازمانی. شبکه مستند در سال ۱۳۹۹ حدود ۸۲۸ ساعت تولید داشته و در سه ماهه اول سال ۱۴۰۰ حدود ۲۳۰ ساعت برنامه تولید کرده است که سهم برنامه‌ها و موضوعات از این عدد مشخص نشده است. تولید سالانه حدود ۱۶۰۰ مستند کوتاه و بلندبه مدت ۵۰ هزار دقیقه، برگزاری چهار دوره جشنواره تلویزیونی مستند با هدف شناخت استعدادها و جذب مستندسازان از سراسر ایران اسلامی و کمک به دیده شدن آثار مستندسازان جوان از طریق رسانه ملی، حضور فعال در جشنواره‌های مختلف داخلی و خارجی مانند جشنواره حقیقت، چلچراغ، فجر، سلامت، رویش، رضوی، فیلم کوتاه تهران، الغدیر عراق، دهلی، الجزیره قطر و لایپزیک آلمان که حضور همه آنها به جز مورد آخر منتج به کسب جایزه شده و تعیین باکس‌های موضوعی و ثابت در کنداکتور هنگی مانند باکس‌های ورزشی، بزنز، کارآفرینی، سیاسی، حیات‌وحش (ایرانی و خارجی)، گردشگری و باکس علمی برای ایجاد ارتباط بهتر با مخاطب هدف، هر دسته از موضوعات و اقدامات مهم شبکه مستند در دوره اخیر مدیریتی بوده است. گفته می‌شود شبکه مستند در دوره تازه خودش از مستندهای بومی و فرهنگی فاصله گرفته و سیاسی‌تر شده و گروهی دیگر معتقدند در بدنه سازندگان این شبکه بازتر شده و البته این دو نظریه مخالفانی هم دارد. آنها مدعی هستند نگاه شبکه مستند بیشتر از تولیداتش سیاسی است و برای همکاری با افراد، تفکرات آنها ملاک هستند تا توانایی هایشان. برای محسن یزدی احتمالا حضور در شبکه مستند به مراتب آسان‌تر و کم حاشیه‌تر از حضورش در شبکه سه باشد. شبکه مستند در یک سال اخیر به جز مستند شاملو حاشیه خاصی نداشته و البته مستندهایی هم پخش کرده که باعث تعجب بینندگان شده است. در این دوره همچنین تولیدات تازه‌ای ساخته و از این شبکه پخش شده است که به تعدادی از مهم‌ترین هایشان اشاره می‌کنیم.

مستندی برای قرن

این مستند به کارگردانی احمد کشاورز به مناسبت پایان قرن، بررسی مجموعه اتفاقات قرن را در دستور کار دارد که شامل اتفاقات ایران هم می‌شود. مشکوک‌ترین مرگ‌های قرن، پرحاشیه‌ترین اتفاقات ورزشی قرن، بزرگ‌ترین بیماری‌ها، جنگ‌ها و خیلی از رخدادهای دیگر قرن بخشی از موضوعاتی است که این مجموعه به بررسی آنها از طریق منابع آرشیوی می‌پردازد. احمد کشاورز با اشاره به این نکته که تعداد موضوعات پیشنهادی برای بررسی مضاعف بودند اما از بین این موضوعات مختلف فقط ۱۲ مورد انتخاب شدند، به ایسنا گفته است: «موضوعات انتخاب شده در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، ورزشی و سایر موارد قرار دارند، کارگردان مستندی برای قرن» با اشاره به این نکته که تا حد امکان تلاش شده است تا موضوعاتی که انتخاب شده‌اند دم‌دستی و کلیشه‌ای نباشند، محدودیت‌های موجود را مهم‌ترین عاملی دانست که باعث شدند برخی موضوعات نظیر بزرگ‌ترین خواننده‌گان قرن مورد بررسی قرار نگیرند و مهجور باقی بمانند. کشاورز درباره شکل گیری قسمت قرن به جام جم گفت: «ما در شبکه مستند جلسات تحت عنوان لیده داشتیم که از یک سال و نیم شروع شود و در آن لیده‌هایی مطرح می‌شد. یکی از آنها این بود که قرن درحال تمام شدن است و چون الان رسانه‌های دیگر سراغش می‌روند، کاری درباره قرن سازنید. از طرفی این طرح را داده که مستندی برای قرن را با همین عنوان بسازیم. این مستند روایت «ترین»های قرن است که در ۱۴ قسمت طراحی شده است. ما حدود ۲۵ «ترین» نوشتیم که می‌توانست به ما مرتبط باشد اما در ادامه ۱۲ تا را انتخاب کردیم. مثلا ماوقتی بزرگ‌ترین خواننده‌گان قرن را مرتبط گرفتیم، احتمال آن ضعیف بود که یک ایرانی بین آنها باشد و اگر هم این احتمال وجود داشت، نمی‌توانستیم آسم هر کسی را بیاوریم. به همین دلیل از برخی «ترین»ها عبور کردیم و «ترین»ها محدود و بیشتر سیاسی شدند. از طرفی چون پخش آن را در عید درنظر گرفته بودیم، بعضی موارد مثل بزرگ‌ترین کشتارهای قرن، احذف کردیم و به دلیل بحث‌های سیاسی دیگر از این «ترین»ها را کنار گذاشتیم؛ همچنین به دلایل دیگر مثل سیاسی هم برخی دیگری از سوژه‌ها را حذف کردیم و درنهایت به همان ۱۲ قسمت رسیدیم.»

جنگ، ظهور غول‌های صنعتی نظامی

مجموعه مستند «جنگ، ظهور غول‌های صنعتی نظامی» با نگاهی به عوامل قدرت‌گیری ۱۵ شرکت بزرگ اقتصادی دنیا تولید و از دیماه بهمن سال جاری از شبکه مستند پخش شد. «جنگ، ظهور غول‌های صنعتی نظامی» درباره شرکت‌های قدرتمند و معروف دنیاست که در زمینه‌های مختلف تکنولوژی و فناوری فعالیت می‌کنند. در این مجموعه بررسی شده که این شرکت‌ها چگونه رشد پیدا کردند و چه پارامترهایی باعث شده است که اکنون تبدیل به غول‌های اقتصادی و نظامی شوند. در این بررسی ماهنگمی شده که قدرت اکثر این شرکت‌ها یک عامل بسیار مهم پیوند خورده و آن هم جنگ است چه جنگ‌های داخلی و چه جنگ‌های جهانی اول و دوم. در این مجموعه مروری بر فعالیت شرکت‌های سامسونگ و هیوندای از کره جنوبی، زیمنس از آلمان، لاکهید مارتین و بوئینگ از آمریکا و... انجام گرفته است. مجتبی میناوند، تهیه‌کننده و کارگردان «جنگ، ظهور غول‌های صنعتی نظامی» ساخت این مجموعه، اشاره غیرمستقیم به اقتصاد کشورمان داشته و عنوان کرده که حیلی از حقایق که در این مجموعه می‌بینیم اشاره غیرمستقیم به وضعیت فعلی کشورمان دارد. برای مثال عده‌ای هم‌واره تاکید دارند که باید وارد رابطه بریم و نیاز نیست خیلی از کالاها را در داخل تولید کنیم. این سیاستگذاری سبب می‌شود که شما تبدیل به مصرف کننده صرف بشید و شرکت‌های کره‌ای و اروپایی تبدیل به قطب صنعتی شوند. این موضوع درحالی است که کشورهای کره و ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم اصلا جنوب رو کردی را اتحاد نکردند بلکه با حمایت‌های دولتی در جهت برآورده ساخت نیازهای داخلی کشورشان برآمدند. این اتفاق سبب شد هم خودشان رشد اقتصادی کنند و هم کشورشان دوباره برپا شود. وی ادامه داد: «می‌بینید که کشورهای مدعی می‌گویند چه دلیلی دارد که بخش نظامی در حوزه اقتصادی فعالیت کند؟ اما در سیاه مهندسی آمریکا که زیرنظر وزارت دفاع آمریکا اداره می‌شود، می‌بینیم که فعالیت جدی اقتصادی دارند. این مجموعه ۱۰ قسمت ۳۰ دقیقه‌ای است و برای اولین بار، مصاحبه‌های خارجی که در فیلم استفاده شده است، کاملا دوبله شده تا بیننده بتواند بخوانی را شاهد باشیم. علاوه بر این برای این مستند موسیقی ساخته شده و ۷۰ درصد موسیقی‌ها تولیدی است. تصاویر استفاده شده آرشیوی و از منابع خارجی استخراج شده است.

ضد

اسفند سال گذشته مجموعه مستند «ضد» با نگاهی تازه به کلیشه‌های ذهنی پیرامون غرب محصول مشترک حوزه هنری و شبکه مستند پخش شد. نخستین قسمت از مستند سریالی «ضد» به کارگردانی مهدی افضل‌زاده و تهیه‌کنندگی محسن کریمیان سوم اسفند ماه روی آنتن شبکه مستند رفت. «ضد» حاصل همکاری تازه مرکز مستند سوره حوزه هنری و شبکه مستند سیما، مجموعه‌ای سریالی با موضوع غرب‌ستیزی که کنائلی در شش قسمت با طرح یک موضوع ساخته‌اند، به یک کلیشه‌های ذهنی مردم درباره محیط پیرامون‌شان پرداخته‌اند. قسمت اول مجموعه در ۲۶ قسمت در مرکز مستند سوره تولید شد و به صورت هفتگی از شبکه مستند سیما پخش شد. در معرفی این مستند سریالی آمده بود: «خیلی از ما در سبک زندگی مدرن از روز تولد در گیر کلیشه‌های رفتاری شدیم که به ما از گذشته به ارث رسیده است و نمی‌دانیم از کجا آمده، آیا درست هستند و چقدر قابل تغییرند؟ مجموعه مستند «ضد» تلاش می‌کند در هر قسمت با طرح یک موضوع ظاهرا کوهاهمیت، به جنگ کلیشه‌های ذهنی مردم درباره محیط پیرامون‌شان برود؛ چراکه ضدیت با کلیشه‌ها، کلیدبدین وقایع جهان از دریچه‌ای جدید است.» هر قسمت از این مجموعه مستند به موضوع متفاوتی مثل آلوودگی هوا، آلودگی‌های نوری، حیوانات خانگی، صنایع جنگ و... پرداخته و می‌کوشد مردم را وادار کند که نگاه متفاوتی داشته باشند. این تهیه‌کننده اضافه کرده بود که دغدغه ساخت این مجموعه از مدت‌ها پیش با ما بود اما تولید این مجموعه مستند آرشیوی از ابتدای اصل شروع شد. ما در قسمت نخست این مجموعه به موضوع «آلودگی نوری» پرداختیم، اینکه این ماجرا چه اثرات منفی و مخربی بر سلامت انسان و حتی محیط‌زیست دارد.

ادامه از صفحه ۱۲

گفت‌وگوی «فرهیختگان» با محسن یزدی، مدیر شبکه مستند

تلویزیون باید اعتماد به‌نفس داشته باشد

نزدیک به یک‌سال است که مدیر شبکه مستند هستید. وقتی آمدید آنچه دیدید یا آنچه در تصور داشتید چقدر تفاوت داشت؟

واقعیت این است برخلاف اینکه افراد می‌گویند ما خرابه تحویل گرفتیم، ما جای آباد را تحویل گرفتیم. یک شبکه، ویژه، منسجم، منظم، با کادر اداری جمع‌وجور بود. همان زمان هم می‌دانستیم یک جای خوب را تحویل گرفتیم که باید چیزی بدان اضافه کنیم یعنی به‌علاوه یک کنیم. از یک جهت آسان است چون یک جایی را دارید، زیرساخت دارد و تا جایی بالا آمده و از جهت دیگر سخت است چون بهتر کردن آن کار پیچیده‌ای می‌شود. ضمن اینکه شبکه مستند در تلویزیون از نظر مخاطب پنجم است و این آمار خوبی است. زیاد شنیدیم که بسیاری اذعان دارند تلویزیون نگاه نمی‌کنیم اما شبکه مستند را می‌بینیم. اینجا جای خوبی است، هم به جهت کادر اداری و هم اینکه جمع‌وجور است.

یعنی فراتر از انتظار شما بود؟

من با شبکه مستند از قبل ارتباط داشتم. از وضعیت غافلگیر نشدم. البته هرجا بروید یک فرازونشیبی دارد.

وقتی مدیر شبکه مستند شدید حتما یک‌سری برنامه‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت داشتید. اهداف کوتاه‌مدت چه بوده است و الان بعد از یک‌سال به چه میزان از آنها دست یافتید؟

خیلی دوست داشتم آرشیو و مستند آرشیوی را جان ببخشم که این اتفاق افتاد. نامه‌نگاری‌هایی با مرکز آرشیو انجام دادیم و ارتباط خوبی برقرار کردیم که آرشیو بگیریم و این اتفاق افتاد.

مثلا جذب نیرو با سلایق مختلف داشتید یا چتر مستند را گسترده‌تر کردید؟

چتر مستندسازی گسترده است و تقریبا نمی‌توانید مستندسازی را از هر طیف فکری-غیر از استثناها خاتم ببرید که با شبکه مستند کار نکند. الان هم مستندسازان کار می‌کنند یا ارتباط دارند یا کار کرده‌اند و تمام شده‌ها می‌خواهند کار کنند. من خیلی مایل بودم به مستندهای اطلاع‌رسان یعنی درباره مسائل مهم کشور بپردازم. مشکل ما این است که مخاطبان ما بسیار باهوش و کم اطلاع هستند. ما مخاطب باهوش داشتیم اما کم اطلاع بودند. معتقدیم بالاخره برای مسائل اساسی کشور باید مواد ابتدایی را به مخاطب بیان کنید. ابتدا باید بیان کنید در دنیا چه خبر است. اینکه جوید هید کاری پیش نمی‌رود. ابتدا باید به مخاطب بگویید چه خبر است. مستندهای اطلاع‌رسان برای ما مهم بود که درباره مسائل اصلی کشور مخاطب توجیه شود و بدانند چه خبر است. کاری که در ذهن ما همیشه بود ساخت مستندی درباره جنگ تحمیلی است. کاری حدود ۱۰۰ قسمت ۱۲-۱۰ دقیقه‌ای انجام دادیم که هر شب پخش می‌شد. الان ۱۰۰ قسمت رفته است یعنی یاکسی برای دفاع مقدس باز کردیم. تا چند وقت دیگر هم برنامه خیلی صریحی درباره جنگ خواهیم داشت که به نظرم برنامه خوبی می‌شود. دل ما می‌خواست کار خوب ساخته شود.

تعریف کار خوب از نظر شما به‌عنوان مدیر شبکه مستند چیست؟

تعریف ماشین خوب چیست؟

خب هرکسی یک‌سری شاخص و مولفه دارد. اولویت شما فرم یا محتواست؟

هردو مهم است. بهترین مستند جهان را بیاورند محتوای بدی داشته باشد پخش نمی‌کنیم. بهترین محتوا را بیاورند اگر فرم بدی داشته باشد پخش نمی‌کنیم. هردو باید درکنار هم باشد. باید استاندارد باشد. سختگیری می‌کنیم. حاضر هستیم کار تکراری پخش کنیم ولی کار بد را پخش نکنیم. برخی محصولات خوب شبکه را نمی‌پخش نمی‌کنیم. به هر دلیلی اگر محصول بد باشد پخش نمی‌کنیم. البته ما وسواس زیادی به خرج می‌دهیم. با وسواس هزینه می‌کنیم و گاهی ممکن است کار بد درآید و پخش هم نشود.

گفتید شبکه مستند پنجمین شبکه از نظر تعداد مخاطب است. از نظر بودجه هم پنجمین شبکه است؟

ما از لحاظ بودجه شبکه پنجم نیستیم. بودجه شبکه مستند بودجه زیادی نیست. اینکه عدد را بیان کنیم رسم نیست ولی ۱۸-۱۷ میلیارد تومان است.

یعنی بودجه‌تان به ۳۰ میلیارد تومان هم نمی‌رسد؟

خیر. با ۲۵ درصد افزایش این میزان شده است.

درباره عنصر سرگرمی در برنامه‌سازی این روزها صحبت‌های زیادی می‌شود. با توجه به تلاش‌تان برای اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی آیا وجه سرگرمی در شبکه مستند اصلا اهمیت دارد؟

بسیار اهمیت دارد.

خب اینها را چطور با هم جلو می‌برید که هم اطلاع‌رسانی باشد و هم آگاه‌بخش و هم سرگرم‌کننده باشد؟

یکی از مواردی که بیان کردم باید مستند خوب باشد، به این دلیل است. فرض کنید یک مستندی هم سرگرم کننده باشد و هم جذاب است و هم محتوای خوب دارد. این مستند را داریم. این کار سختی است ولی خیلی فکر کردیم و مشورت کردیم و به انجام دادیم. مجموعه‌ای به نام مجوعه «ضد» داریم که بسیار از آن دفاع می‌کنم. مجموعه‌ای به نام «غول‌های صنعت نظامی» داریم که بسیار از آن دفاع می‌کنیم. «خط باریک قرمز» را دفاع می‌کنم، هم فرم خوب است و هم ذغه‌ذغه اجتماعی جذابی دارد. برای همین می‌گویم آرشیو مهم است چون آرشیو جذاب است. روی همین حساب روبه آرشیو داخلی و خارجی آوردیم چه بتواند هم جذاب باشد و هم حرف بزند.

درباره خط قرمزها در نشست خبری‌تان اشاراتی کردید، در شبکه مستند خط قرمزی ندارید؟

خط قرمز داریم.

به سینمای قبل انقلاب در چند جا اشاره شده است. حتی بازیگران قبل انقلاب را نشان می‌دهد.

بله. بالاخره یک شکلی است که گاهی مواقع خود را به بیراهه می‌زنیم. چرا تلویزیون باید کسی که با اصول جمهوری اسلامی متضاد است را تبلیغ کند؟ این اصول است، لجبازی کردن نیست.

نشان دادن به معنای تبلیغ کردن است؟

نیرا خنثی قطعا منظوم نیست. این حرف درست است که باید به این موضوعات بپردازیم. حق با ماست و وقتی حق با ماست چرا می‌ترسیم؟

یک‌سری شخصیت‌ها در تاریخ معاصر ما هستند که چون به آنها پرداخته نشد در فضای امن ولی غیرالواو هستند. اگر از فضای غیرالواو بیرون آیند طرفداران شان حتما آنها را از چتر عصمت بیرون می‌آورند و ممکن است بگویند اینجا اشتباه کردیم ولی وقتی بدان نپردازیم می‌ماند. این حصار در آنها می‌ماند و به نفع آنهاست.

حرف درستی است. به نظرم در تلویزیون باید اعتماد به نفس پرداختن به این مسائل را داشته باشد، چون استحقاق این را دارد، چون شأنیت این را دارد. اگر نمی‌پردازد نقداست. من مستندهای زیادی پخش کردم ولی کسی به من چیزی نگفته است.

از داخل و خارج سازمان کسی چیزی نگفته است؟

کسی چیزی نگفته است. تذکر گرفتیم ولی اذیت کننده نبوده است. تذکر از نهاد نظارتی دریافت کردیم ولی اینکه مانع برای کارهای بعدی ایجاد کند، نبوده است. ما حرف‌هایی زدیم و مستندهایی پخش کردیم و برخی گمان می‌کنند به تلویزیون نزدیک نیست ولی کسی با ما مخالفت نکرده است.

مستندها جزء پرهزینه‌ترین برنامه‌های تولیدی هستند. برای مستند میلیون دلاری هزینه می‌کنند. چنین سرمایه‌گذاری برای مستند چرا می‌شود؟

مستند پرهزینه‌ترین ژانر و قالب نیست.

جزء سه قالب اول است.

حیات‌وحش پرهزینه‌است. مستندهایی که هزینه بالایی دارد خاص هستند. مستند در حد عام در ایران پرهزینه نیست. در کشورهای دیگر به دلیل شرایط تولید گران است. در ایران اینچنین نیست، البته بستگی به تولید دارد. اینجا هم مستندهای ایرانگردی مستندهای گرانی است.

یعنی به امکانات ربطی ندارد بلکه به تعداد روزها ربط دارد؟

برخی موضوعات همچون حیات‌وحش خاص هستند. شنیده‌ام بهترین دوربین‌هایی که در دنیا تولید می‌شود ابتدا در مستند حیات‌وحش استفاده می‌شود، یعنی حتی قبل از اینکه وارد سینما شود. به جهت شکل لجستیک و به جهت تعداد روزهای فیلمبرداری و شرایط فیلمبرداری و آدم‌هایی که به کار گرفته می‌شود و زمانی که باید بگذارید هزینه برمی‌دارد. در مستند چند دستمزد داریم، بقیه هزینه است. هرچه هزینه اضافه شود به مبلغ کل اضافه می‌شود. اگر مستند را در شهرستان داشته باشید به شما فلان میزان پرداخت می‌کنند و اگر سفر خارج باشد بیشتر می‌شود. اگر اینها را نداشته باشد از مبلغ کم می‌شود. برحسب تعداد روزهای فیلمبرداری محاسبه می‌شود. اینجا عددهای تولید پایین است و ما امکان این را نداریم که بیشتر پرداخت کنیم ولی حق مستندسازان این میزان نیست.

بیشترین دستمزدی که پرداخت کردید چه دستمزدی بود؟

تفاوت دارد. مثلا مستندهای ایرانگردی و حیات‌وحش پرهزینه است و برخی مستندها مصاحبه خارجی با فردی دارد که او هزینه بالایی می‌دارد.

متوسط عدد چقدر است؟ پرداخت میلیاردی دارید؟

خیر. دقیقه‌ای است وبین ۹۰۰-۸۰۰ هزار تومان تا یک میلیون و ۵۰۰-۳۰۰ هزار تومان است. به غیر از استثنائات همین میزان است.

درباره نگاه شما به مستند عنصر شبکه. شبکه‌های فارسی‌زبان را می‌بینیم که مخالف جمهوری اسلامی هستند و یک‌باره مستندی ۵۰ دقیقه‌ای می‌سازند و جو بین مردم ایجاد می‌کنند و دیده شده و در فضای مجازی برجسته می‌شود. خیلی این امر مهم و تاثیرگذار است. آنها با مستندها کار می‌کنند و از مستند کار می‌کنند.

نقش مستند ما در داخل چیست؟ ما در مقابل چه کاری انجام می‌دهیم؟

ما رسانه‌های معاند مثل دو یوکسوی هستیم که در یک رینگ بوکس قرار گرفتیم. طرف مقابل ما آدم ورزیده‌ای است و تمرین کرده و اسپانسر قدرتمند دارد. دستکش و کفش خوب دارد. سوی دیگر ما هستیم که دست‌ما بسته است. با طناب دست‌وپای ما بسته است. گوشه رینگ را به طناب رینگ بسته‌اند و مرتب کتک می‌خوریم. آیا ما آدم بی‌عرضه‌ای هستیم؟ خیر. آیا توان نداریم؟ خیر. آیا صلاحیت نداریم؟ اینچنین نیست. آیا نمی‌توانیم با آنها هماوردی کنیم؟ حتما می‌توانیم. آیا مشکل فرمی داریم؟ خیر. آیا قدرت نداریم؟ داریم.

واقعا مشکل فرمی نداریم؟

واقعا مشکل فرمی نداریم چون مصداق آن موجود است. مشخص است می‌توانیم هماوردی کنیم. در نظر بگیرید مخالف‌خوانی مشتری بیشتری دارد. مردم ناراضی هستند و طرف وقتی مخالف‌خوانی کند ممکن است برای آنها جذابیت بیشتری دارد.

ما نمی‌توانیم مخالف‌خوانی کنیم؟

دست ما بسته است، دست ما خالی نیست ولی بسته است. اساسا مدیریت فرهنگی در جمهوری اسلامی نسبت به ظرفیت‌های مستند خالی از ذهن است. شاید من بی‌عرضه هستم که این را ادامه ندادم. اساسا غلط است. اساسا نگاه مدیریت فرهنگی به مخاطب نگاه غلطی است. وقتی نگاه به مخاطب غلط باشد دست تولیدکننده بسته می‌شود. در صورتی که به نظر من مخاطب عوض شده است. این مخاطب پنج‌سال پیش هم نیست. وقتی می‌خواهید با مخاطب حرف بزنید باید با زبان خود او صحبت کنید. اگر من برحق هستم باید اعتمادبه‌نفس داشته باشم و حرف بزنم. در یک شرایطی باید اجازه شنیدن داشته باشم. شما طرفدار رضاشاه هستید حرف بزنید، شما طرفدار پهلوی هستید حرف بزنید، شما مخالف جمهوری اسلامی هستید حرف بزنید. در چنین شرایطی مشخص می‌شود حق با کیست و در این صورت حقانیت جمهوری اسلامی معلوم می‌شود.

شما به این امر اعتقاد دارید؟ فضا می‌دهید این اتفاق در شبکه مستند رخ دهد؟

من آن میزان که عقلم می‌رسد انجام می‌دهم.

عقل شما می‌رسد یا دایره اختیارات شما اجازه می‌دهد؟

من تا جایی که عقلم می‌رسد انجام می‌دهم.

دایره عقل شما قطعا خیلی گسترده‌تر از دایره اختیارات شماست؟

دایره اختیارات خیلی کم نیست ولی من نمی‌توانم خارج نظم تلویزیون کار کنم. بالاخره اینجا نظم و شرایطی دارد. باید در این شرایط کار کنم ولی گاهی اوقات کارهایی هم انجام دادیم کسی چیزی نگفته است و جلوی ما را نگرفته‌اند. من معتقدم باید نگاه ما به مخاطب نگاه درستی باشد و بازنگری کنیم. من معتقد به آزادی بیان هستم، معتقدم حیات جمهوری اسلامی در آزادی بیان است. نه، آزادی بیانی که جریان روشنفکری بیان می‌کند، آزادی بیانی که ناشی از اعتمادبه‌نفسی است که چون حق با ماست. باید استدلال کنیم منتها این حق را نتوانستیم به مخاطب ارائه دهیم. معتقدم هستم جمهوری اسلامی به همین خاطر از محاسن خود می‌خورد، از سوریه، لبنان، فلسطین، منافقین و... می‌خورد. فرض کنید پست‌تر از منافقان در این دنیا داریم که خود اپوزیسیون حاضر نیستند دو نفر با سازمان مجاهدین بنشینند. ما از منافقان می‌خوریم، چرا؟ به‌خاطر اینکه اعتمادبه‌نفس نداریم و فکر می‌کنیم اگر این حرف را بزنیم مخاطب دچار انحراف می‌شود. این غلط است. حدس من این است که این باور در تلویزیون وجود دارد و در پس ذهن مدیران است اما چون فکر می‌کنند قابلیت اجرا آن الان پیدا نکرده یا کسی این را اجرا نمی‌کند، پس بی‌خیال می‌شوند یا فعلا بدان فکر نمی‌کنند. در صورتی که اگر مجری تلویزیونی بعد از ۲۰ سال تبدیل به مجری درجه یک می‌شود، این برنامه‌ها و این نقدها هم باید به بلوغ برسد. در پروسه‌ای وقتی تمدنی نگاه کنیم اتفاق می‌افتد یعنی باید درآمدت باشد.

الان در دهه پنجم انقلاب هستیم. چقدر باید درآمدت باشد؟

دهه پنجم برای یک حکومت زیاد نیست. تمدنی نگاه کنیم این زمان زیادی نیست. اگر تمدنی نگاه کنیم باید درآمدت فکر کنیم و به اینها بها دهیم یعنی من اجازه دهم نقد رامنتقد درونتون بیاورد. وقتی چیزی درونتون نیاید و بحث نشود سروته آن مشخص نمی‌شود. متاسفم امروز تلویزیون جایگاهی را که باید داشته باشد، ندارد که می‌تواند داشته باشد و متاسفم تلویزیون از فشارهای بیرونی رنج می‌برد.

منظور دولتی و غیردولتی است.

بله.

اوج خلاقیت مستندهای انقلابی استفاده از نریشن آقای طهماسب و حمید محمدی است. این فرم انگار لوث شده است. دقت در این تکرارهای ضربه‌زننده دارید؟

تلقی شما از مستند جریان انقلاب غلط است. به نظر من عموم مطلع نیستند و چون کارم این است مطلع هستم. مستند «داستان فوتبال» بد است؟

خیر. نریشن را بیان می‌کنم، محتوا منظوم نیست.

صدای حمید محمدی و طهماسب را نظر نریشن کردید که بد است؟

نگفتم بد، گفتم تکراری شده است. نظرسنجی من از جمع خبرنگارهاست و آنهایی که اهل نوشتن و برنامه‌سازی هستند. گفته می‌شود این صدا خسته‌کننده شده است و اثر قبلی‌اش را ندارد.

این ایرادی ندارد. نمی‌توان گفت چون صدا خسته‌کننده شده پس کنار بگذاریم ولی مردم دوست دارند.

از سال ۸۸ تاکنون چند مستند با صدای ناصر طهماسب ساخته شده است؟

الان خیلی کمتر شده است ولی این بحث‌ها برای ما وجود دارد. من شخصا فکر می‌کنم مردم دوست دارند هر چند واقعا زیاد شده است.

صدای طهماسب به عنوان نریشن در فیلم سینمایی «سن پترزبورگ» نیز استفاده شد اما در سینما بسیار کمتر از آن استفاده شده است.

من معتقدم هنوز صدای طهماسب با توجه به تکرار آن مشتری دارد. اما این نظر و سلیقه است و قابل بحث و تامل است. برای نریشن باید بین صداها گشت، برخی صداها گران است. مثلا می‌گوییم صدای فلانی خوب است ولی برخی مواقع اعدادی می‌گویند که قدرت پرداخت نداریم. پیدا کردن صدا سخت است. این اثر هنری است و همه باید در کنار هم باشند تا اثر هنری شود. بعضی گویندگان ادا و اصول دارند. اعدادشان بالاست و می‌گویند نقد باید پرداخت کنید. طهماسب اینچنین نیست. خوش تعامل است و راحت می‌توان با او کنار آمد. در کنار این صدای قوی اعدادی دارد.

شکی در این نیست ولی برای تلویزیون هر چیزی خوب نیست. بگذریم، درباره جریان انقلابی هم توضیح دهید.

جریان انقلابی در ۱۰ سال گذشته واقعا در حوزه مستند درخشیده و جهش کرده و بسیار بسیار پیشرفت کرده است. الان حد در حوزه مستندهای تولیدی و در حوزه مستندهای آرشیوی و چه در مستندهای واقعی به جهت ساختارهای حاکمیتی ما از مستندها حمایت کردیم و این طور نبوده که خودشان اسپانسر گرفته‌اند. موسسه اوج، حوزه هنری، بسیج و تلویزیون در این مورد نقش اصلی داشتند یعنی در مستند، ساختارهای حاکمیتی به کمک مستند آمده و به رشد مستند کشور کمک کرده‌اند. همچنین درخصوص مستندسازی پخچه‌های انقلابی اینچنین بوده است. مستندهای خیلی خوبی در این زمینه داریم. الان بین ۱۰-۱ سال پیش قابل مقایسه نیست.

از نظر تعداد اصلا قابل مقایسه نیست.

بهجت کیفیت هم قابل مقایسه نیست. مستندهای سیاسی و غیرسیاسی همانند «اکیوانی» «شاهکار است. مستندهای «فاکتور سینما»، «آقای نخست‌وزیر» و «ثبت باسند» برابر نیست؛ که به نظر من واقعا سطح بالایی دارند. من مستندها را دوست داشتم. مستندهای اجتماعی و واقعی واقعا رشد کرده است. امروز یک مستندساز روحانی از جشنواره معتبری مدتا حقیقت جایزه می‌گیرد.

فرهیختگان
سایت روزنامه
www.FARHEEKHTEGAN.ir

سازمان آگهی‌های روزنامه
فرهیختگان
Advertisement's Organization
تلفن: ۶۶۳۴۸۰۱۸-۶۶۳۴۸۰۴۶ (۰۲۱)
فکس: ۶۶۳۴۸۰۱۷ (۰۲۱)
ایمیل: a66348018@gmail.com

برگ سبز و سند خودرو پژو پارس مدل ۹۶ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۱۱۲۴۱۱۱۱۰۰۲ و به شماره شاسی NAAN۲۱VE۲THIV۵۹۲۶۴۵ و به شماره پلاک ۱۴ - ۷۱۷ و ۳۳ به نام هادی سواری مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو پژو ۲۰۶ مدل ۹۸ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۱۶۸۵۸۰۱۶۹۷۸۰ و به شماره شاسی NAAP۰۳EEAKJ۱۵۷۴۱۵ و به شماره پلاک ۱۴ - ۹۷۹ و ۹۲ به نام نگار عبدی قیخرخی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز و سند خودرو پراید مدل ۸۹ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۳۵۷۵۸۴۶۲ و به شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۹۶۱۳۶۲۰ و به شماره پلاک ۱۴ -